

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

تیمور شاه تیموری
المان، 23 جولای 2011

طنز

داشت ریش بس عریض و بس طویل	بود مردی در حماقت بی بدیل
در قشماش پشم یکتا مینمود	ریشش همچون چتر دیبا مینمود
از زنسخ افتاده تا در زیر ناف	ریش او چشون ریش آقای سیاف
ریش او در گگرد رویش هاله بود	ریش سیاف نزد او چشون یشمه بود
مینمودی هر طرف گشت و گذار	طفل شوخی بود اما هوشیار
شوخی طفلانه اش در دل فتاد	چشم او بر ریش آن مقبل فتاد
با ادب ایستاد و بنمود احترام	پیشش آمد گفت بابا السلام
گفت دارم از حضورت یک سؤال	بعد احوال پرسی و جوئیای حال
روی سینه میشود یسار در هواست	شب که میخوابی تو، ریشت در کجاست
خارج از بستر بود یا توی آن	زیر لحاف و کمپل است یا روی آن
که درون رخت خواب است یا برون	مرد گفت تا نازمودم تا کنون
بهر او وسواس و سودا شد پدید	شب که وقت خواب و خوابیدن رسید
گاه بیرونش نمودی از لفاف	گاه ریش خسود ببردی در لحاف
آن حریف با ریش هر سو می تپید	تا شفق انهدر افق آمد پدید
مرد شبها را همیکردی سحر	این شبش بگذشت و شبهای دگر

خواب خوش از دیده اش بگریخته	ریش او بــــراحتش آویخته
روز دیگر دید بار دیگرش	آن پسر را بــــا رفیق و یاورش
گفت هردو جنس شیطان بوده اید	بهر من آزار و جــــدان بوده اید
ای سگان مشرکــــان بی حیا	ریش من ریش است نی پشم و گیا
من نمیدانم کنون کــــاین ریش را	تا چــــه سازم مایه تشویش را
گــــر بروی لحاف بستر گسترم	میشود آزاده جسم و پیکــــرم
گــــر درون لحاف روی سینه ام	گسترم آزده گــــردد سینه ام

از خــــدا خواهم شما را بی پدر

چــــون گدایان بی پناه و در بدر

یشمه: پوست دباغی ناشده